

Recognition and application of new teaching models among the humanities faculty members

Shahnaz Mohagheghian, Gholamreza Ahmadi, Zohreh Saadatmand

¹Master of Science, Khorasgan (Esfahan) branch, Islamic Azad University, Esfahan, Iran

²Assistant Professor, Khorasgan (Esfahan) branch, Islamic Azad University, Esfahan, Iran

³Assistant Professor, Khorasgan (Esfahan) branch, Islamic Azad University, Esfahan, Iran

Abstract

This study was conducted with the aim of recognition and application of new teaching models among the humanities faculty members at Khorasgan Branch of the Islamic Azad University. It was a descriptive-survey and the statistical population was included all of 140 faculty members of humanities. 96 participants were selected by random sampling method. The gathering tool was a researcher-made questionnaire, which included 35 Likert-type items assumed to measure the level of recognition and application. The reliability of the questionnaire was obtained based on the Cronbach's alpha coefficient of 0.80 in the area of knowledge and 0.84 in the area of application. Data were analyzed by using descriptive statistics (percentage, frequency, mean and standard deviation) as well as inferential statistics (single-variable t-test, independent t-test, variance analysis) for both recognition and application areas. The results indicated that not only the faculty members were familiar with these methods but also they apply these methods in their teachings. The results also revealed that there were significant demographic differences such as years of education and acquaintance, but there were no significant demographic differences in terms of faculty and the field of study between those faculty members regarding recognition and application.

Keywords: Teaching models, Information-processing models, Individual models, Social models, Behavioral systems' models, Humanities department, Higher Education

شناخت و کاربرد الگوهای نوین تدریس در میان اساتید گروه علوم انسانی

شهناز محققیان^{*}، غلامرضا احمدی، زهره سعادت‌مند

^۱کارشناس ارشد، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
^۲استادیار، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
^۳استادیار، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس در میان استادان گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان و روش آن توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کلیه اساتید گروه علوم انسانی به تعداد ۱۴۰ نفر است که ۹۶ نفر از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۳۵ گویه مطابق با مقیاس لیکرت در دو زمینه شناخت و کاربرد تنظیم شده و پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در حیطه شناخت ۰/۸۰ و در حیطه کاربرد ۰/۸۴ به دست آمده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (درصد، فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون T تک متغیره، T مستقل، تحلیل واریانس) در دو سطح شناخت و کاربرد تحلیل شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که استادان، علاوه بر اینکه الگوهای نوین تدریس را بیش از حد متوسط می‌شناسند، آنها را بیش از حد متوسط در فرایند تدریس به کار می‌گیرند. همچنین بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی در شناخت و به کارگیری این الگوها با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی (سابقه خدمت، مدرک تحصیلی) تفاوت معنادار وجود داشته، اما بر حسب (دانشکده محل خدمت و رشته تحصیلی) تفاوت معنادار نبوده است.

واژگان کلیدی: الگوهای تدریس، الگوهای پردازش اطلاعات، الگوهای انفرادی، الگوهای اجتماعی، الگوهای سیستم‌های رفتاری، علوم انسانی، آموزش عالی

مقدمه

در دنیای پیچیده امروز، تعلیم و تربیت نقش مهمی را ایفا می‌کند. در شرایطی که دولت‌ها و کشورهای بزرگ جهان پیشرفت و توسعه خود را منوط به رشد نظام آموزشی می‌دانند، نمی‌توان با توسل به روش‌های سنتی گذشته این پیشرفت و تحول را حاصل نمود. با گسترش روز افزون دانش در جوامع، اهمیت رسالت مراکز آموزش عالی بیش از پیش نمایان شده است. همان گونه که معیری (۱۳۸۰) اشاره می‌کند: «در جامعه امروز، آموزش و پرورش تنها وسیله دسترسی به تکنیک قوی‌تر، توسعه و پیشرفت بیشتر است. امروزه همه ملت‌ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی، پیشرفته و در حال پیشرفت به مسأله تربیت توجه دارند. این توجه بی دلیل نیست و بر منطبق قوی بنیاد شده است.» در این میان مسؤلیت مدرس که وظیفه آموزش و انتقال دانش و علوم به فراگیران را بر عهده دارد، برجسته‌تر خواهد شد. اگر به این باور رسیده باشیم که نقش مدرس، به جای انتقال صرف دانش و آموخته‌ها به دانشجویان، فراهم ساختن محیطی مطلوب برای یادگیری است، باید بپذیریم که ابزار این کار چیزی فرای روش‌های سنتی تدریس است. مدرس، عملکردها و نقش‌های چندگانه‌ای را در کلاس ارائه می‌کند که ترکیبی از شخصیت، قابلیت‌های شغلی و دانش روان‌شناسانه اوست. نقش‌های او عبارتند از: الگو بودن، حمایتگری، الزام‌کنندگی، راهنمایی، رشددهنده فکر و مهارت‌ها، شنوندگی، میزبانی، پرورش دهنده جسم، درگیر کننده، برانگیزاننده تخیل، متعادل کننده دوستی، شریک بودن و فراهم کننده منافع (Galbriath 2001). در این میان تدریس از مهمترین عوامل در فعالیتهای آموزش و پرورش است. در این زمینه عده‌ای پا را فراتر گذاشته، تدریس را مترادف با آموزش و پرورش دانسته‌اند (فتحی، ۱۳۸۲). تدریس یک فرایند است و عوامل متعددی در آن نقش دارند. همه عوامل قابل مطالعه و کنترل نیستند. مدرس باید در شرایط خاص، چهارچوبی محدود از فرایند و روش‌های تدریس را به عنوان الگو انتخاب کرده، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا بتواند فعالیتهای آموزشی خود را به گونه مطلوبی سازماندهی کند (شعبانی، ۱۳۸۳).

مهمترین اهداف برنامه‌های آموزشی کشور پاسخ‌گویی به نیازهای ناشی از تغییرات جامعه و جبران افت تحصیلی است. در اجرای این امر متغیرهای زیادی دخالت دارند. دسته‌ای از این متغیرها که کمتر به آنها توجه شده است مهارت حرفه‌ای اساتید است که پیوسته کهنه و قدیمی می‌شود. مهمترین این مهارت‌ها آگاهی ایشان از الگوهای اساسی تدریس و کاربرد صحیح آنهاست. پیش از پرداختن به فراگیر باید به مدرسان پرداخت که بدون مدرسان سالم و تربیت شده برای فرایند تربیت، بارآوردن دانشجویان یا به طور کلی شهروندان مؤثر، تقریباً غیرممکن است. یادگیری فراگیران، مقدم است؛ هر مقدار سرمایه‌گذاری در آماده‌سازی استادان برخوردار از دست و مغز توانا در واقع سرمایه‌گذاری در پیشرفت همه جانبه جامعه است (شعاری نژاد، ۱۳۸۱). اساتید اثربخش کسانی هستند که دستیابی به اهدافی خاص را در نظر می‌گیرند و از دانش و مهارت‌های مورد نیاز جهت دستیابی به این اهداف نیز برخوردارند. این مدرسان از ابزار مهمی بنام «Teaching Model» به منظور تحقق هر چه بیشتر اهداف آموزشی و توسعه یادگیری در فراگیران بهره می‌گیرند. الگوهای تدریس در واقع الگوهای یادگیری هستند. با استفاده از این الگوها در حالی که به فراگیران در کسب اطلاعات، نظرات، مهارت‌ها، راه‌های تفکر و ابراز نظر کمک خواهد شد، نحوه یادگیری را نیز خواهند آموخت (Joyce, 2994).

برخی از اعضای هیأت علمی دانشگاهی نسبت به اصول شیوه‌های تدریس شناخت کمی دارند. اگر چه استادان دانشگاهها در محتوای درس رشته‌ای که در آن تدریس می‌کنند قوی هستند، اما تعداد زیادی از آنان با نظریه‌های یادگیری و راهبردهای تدریس در دانشگاه آشنایی کمی دارند که این فقدان آگاهی باعث می‌شود که بسیاری از آنان همانند استادان خود تدریس کنند و از روش‌های تدریس و راهبردهای سنتی پیروی نمایند بدون اینکه درباره مناسب آن برای ایجاد یادگیری با کیفیت بالا در دانش تامل کنند. به عبارت دیگر، تدریس که عملی هنرمندانه و دارای مبانی علمی است از نظر این استادان به عادت تبدیل می‌شود که بدون بهره‌گیری از تفکر و خلاقیت انجام می‌پذیرد. همچنین علی‌رغم منسوخ شدن رویکرد مدرس - محور در

احراز پست‌های معلمی و استادی پرورش می‌یابند نیز در تدریس خود از آن متأثر شوند. همچنین انجام چنین پژوهشی می‌تواند در بهبود تصمیمات اتخاذ شده مدیریتی در دانشگاه مؤثر واقع گردد. با توجه به اهمیت فوق العاده‌ای که الگوهای تدریس در کیفیت آموزش و پرورش دارد، تحقیقات بسیاری در این رابطه انجام شده است.

لک هندری (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان آشنایی معلمان دوره راهنمایی با الگوهای تدریس و میزان کاربرد آنها در فرایند تدریس» به این نتایج دست یافت که معلمان بیش از سطح متوسط با الگوهای پردازش اطلاعات، الگوهای اجتماعی تدریس، الگوهای تدریس فردی و الگوهای سیستم‌های رفتاری تدریس آشنایی دارند. همچنین معلمان بیش از سطح متوسط الگوهای مذکور را در فرایند تدریس به کار می‌گیرند و نیز میزان آشنایی و سطح کاربرد الگوهای تدریس از نظر معلمانی که دوره‌های ضمن خدمت الگوهای تدریس شرکت نموده‌اند و آنهایی که در این دوره‌ها شرکت نکرده‌اند تفاوت معنادار وجود دارد.

جلالی و نظری (۱۳۸۱) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر آموزش الگوی یادگیری اجتماعی بر عزت نفس، اعتماد به نفس، رفتارهای خود ابرازی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس سوم دوره راهنمایی» به این نتیجه دست یافتند که میانگین نمرات عزت نفس، اعتماد به نفس، رفتارهای خود ابرازی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به صورت معناداری بهبود یافته بود ولی رابطه معناداری میان اثربخشی آموزش الگوی یادگیری اجتماعی با مناطق مختلف آموزشی و جنسیت مشاهده نشد.

چانگ و رو (Chung and Ro, 2004) در پژوهشی به «بررسی مهارت حل مسأله بر خودکارآمدی و خلاقیت کودکان در تدریس موضوع هنرهای کاربردی» پرداختند و نتایج آن پیشرفت خلاقیت و خودکارآمدی را در گروه آموزشی نشان داد.

ملکوتی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود با عنوان «تدریس در گروه‌های کوچک (بحث گروهی)» به این نتیجه دست یافت که کار و بحث گروهی، فراگیران را با مشکلاتی که در بزرگسالی بر سر راه زندگی اجتماعی آنها وجود دارد آشنا می‌کند و راه مقابله و برطرف کردن مشکلات را به آنان

آموزش، همچنان فعالیت‌های آموزشی و تدریس - حتی در دانشگاه‌ها - بر این اساس متمرکز است. به عنوان مثال، استادان مراکز آموزش عالی به ندرت از گستره وسیعی از الگوهای تدریس، تشویق و جلب مشارکت دانشجویان در فرایند یادگیری بهره می‌گیرند و تنها به انتقال دانش و محتوای آموزشی با استفاده از روش‌های سنتی همچون سخنرانی، می‌پردازند. رسالت عمده دانشگاه‌ها، آموزش مداوم، پژوهش، ارائه خدمات و گسترش فعالیت‌ها به منظور تربیت افراد با دانش حرفه‌ای و مهارت‌هایی است که بتوانند در توسعه اجتماعی شرکت کنند و نیز به توسعه پایدار و خلق دانش علمی از طریق توسعه پژوهش دست یابند. در این باره، طراحی محیط یادگیری توسط مدرسان به رشد مهارت‌ها و آگاهی‌های فراشناختی فراگیران کمک می‌کند (شریفیان، ۱۳۸۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فراشناخت در برنامه درسی و موفقیت تحصیلی فراگیران ضروری است (Alonso and Vovides, 2007; Morton, 2008; Williams, 2002). بنابراین استفاده از الگوهای تدریس اساتید آموزش عالی اگر با برنامه ریزی مشخص و مبتنی بر یافته‌های علمی صورت پذیرد، می‌تواند گامی اساسی در راستای رشد حرفه‌ای آنان باشد و موجب اصلاح و بهبود فضای آموزشی شود. دستیابی به این مهم مستلزم به کارگیری الگوهای نوین تدریس است. تحقیق در یافتن کمبودها و جبران نواقص آموزشی مؤثر است؛ زیرا این امر تصویری نسبتاً جامع از کیفیت آموزشی دانشگاه ارائه می‌دهد و منجر به تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف موجود در کیفیت تدریس استادان خواهد شد. در راستای رشد و توسعه سطح آموزش و در نتیجه، پیشرفت کشور، قطعاً مراکز آموزش عالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. چرا که نیاز به آموزش در سطوح بالا و تطبیق بیشتر با پیشرفت‌های سریع علمی و تکنولوژیکی بیش از پیش احساس می‌گردد. لذا دانشگاه باید از شرایط مطلوبی جهت فراهم ساختن این بستر برخوردار باشد. علاوه بر این، از آنجا که دانشگاه، پرورش دهنده بسیاری از افراد است که در آینده‌ای نزدیک خود در جایگاه تدریس قرار می‌گیرند، بنابراین اهمیت این مرکز بسیار برجسته خواهد شد. زیرا وجود ضعف‌ها و محدودیت‌ها در دانشگاه سبب می‌گردد که افرادی که جهت

دبستانی تا دانشگاه، نتایج پرسشنامه آگاهی‌های فراشناختی آنان مشابه بود در حالی که پیچیدگی و جزئیات محتوا با سطوح تحصیلی بالاتر افزایش می‌یابد اما با این وجود نتایج این تحقیق نشان داد که آگاهی‌های معلمان از راهبردهای یادگیری به همان نسبتی که برای تدریس در دبیرستان و دانشکده قوی است در میان معلمان که به دانش‌آموزان سطوح پایین‌تر تدریس می‌کنند، نیز قوی است.

اسمیت (smith, 2005) به اهمیت دانش فراشناختی مدرسان در طراحی و تصمیم‌گیری تدریس اثربخش آنها اشاره داشته است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مدرسانی که از مهارت دانش فراشناختی بالایی برخوردارند قابلیت بالایی در مرحله پیش از تدریس و برنامه‌ریزی برای کلیه مراحل تدریس دارند.

عزتی و فهامی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی (تفحص گروهی) بر رشد مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی ناحیه ۵ شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۸ - ۸۷» به این نتیجه دست یافتند که یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی تأثیر معنادار داشته است. ملا زمانی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر آموزش به شیوه ایفای نقش بر بهبود تصور از خود نوجوانان» به این نتیجه دست یافت که میان تصور از خود دانش‌آموزانی که تحت آموزش با روش ایفای نقش قرار گرفته‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین از روش آموزش به شیوه ایفای نقش می‌توان به عنوان روشی کارآمد در بهبود تصور از خود نوجوانان دختر استفاده نمود.

حسن زاده (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر روش آموزش سخنرانی، بازی و ایفای نقش بر آگاهی و عملکرد دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی در مورد تغذیه دوران بلوغ» به این نتیجه دست یافت که نمرات میزان آگاهی در دو گروه ایفای نقش و بازی افزایش بیشتری نسبت به گروه سخنرانی داشته است. همچنین ماندگاری عملکرد در گروه ایفای نقش به طور معناداری بیش از سخنرانی و بازی بوده است.

می‌آموزد. در واقع این نوع آموزش، تمرینی کوچک برای رسیدن به زندگی اجتماعی بهتر است. در جریان کار گروهی، فراگیر علاوه بر تجربه اندوزی در تقسیم کار و مسؤلیت تجربیاتی نیز در زمینه مدیریت و سازمان‌دهی فعالیت‌ها به دست می‌آورد. همچنین بحث گروهی باعث یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود.

حیدری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه تأثیر تدریس به روش سخنرانی با بازخورد و سخنرانی به روش سنتی بر میزان یادگیری و کیفیت تدریس» بدین نتیجه دست یافتند که اطلاعات دموگرافیک کیفیت تدریس از دیدگاه دانشجویان، نمرات کلی و طبقه‌ای پیش از آزمون، نمرات کلی پس از آزمون (بلافاصله پس از تدریس) در گروه مشابه بود. نتایج نمرات طبقات یادگیری این پس از آزمون در سطوح دانش و درک و فهم مشابه بودند ولی نمرات طبقات کاربرد و تجزیه و تحلیل تفاوت‌های معناداری را در گروه نشان دادند. همچنین نمرات کلی و طبقه‌ای پس از آزمون ۴ ماه بعد در دو گروه متفاوت نبود.

اکبری و رجایی پور (۱۳۸۹) در طرح پژوهشی خود با عنوان «تأثیر شیوه‌های مختلف تدریس در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت دبیران» میزان تأثیر شیوه تدریس (حل مسأله، پروژه و سخنرانی) را در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که روش‌های حل مسأله و پروژه بیش از سطح متوسط ولی روش سخنرانی کمتر از سطح متوسط در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت و به کارگیری روش تدریس سخنرانی تأثیر زیادی در افزایش کیفیت این دوره‌ها نداشته است. زمانی (۱۳۸۱) در طرح پژوهشی خود با عنوان «ارائه الگوهای جدید تدریس در مقطع ابتدایی» به این نتیجه دست یافت که روش‌های جدید تدریس موجب شور و نشاط فراگیران و ایجاد علاقه و باعث بالا بردن انگیزه آنها نسبت به محیط آموزشی شده است.

سانی (Sunny, 2004) به بررسی فراشناخت در بزرگسالان و مدرسان پرداخت. وی دریافت که فراشناخت با سن و تجارب تدریس افزایش می‌یابد. نتیجه جالب توجه دیگر این بود که معلمان سطوح مختلف تحصیلی از پیش

۹۶ نفر به دست آمد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است. این پرسشنامه شامل ۳۵ گویه در دو حیطه شناخت و کاربرد الگوهای تدریس بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شده است. مقادیر به دست آمده از محاسبه پایایی پرسشنامه این پژوهش بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در حیطه شناخت ۰/۸۰ و در حیطه کاربرد ۰/۸۴ است. این میزان اعتبار بالای ابزار اندازه‌گیری را نشان می‌دهد. در این پژوهش داده‌های تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات با ابزار پرسشنامه، تجزیه و تحلیل و با استفاده از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی با سیستم رایانه‌ای و «نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی (spss)» انجام شده است. در بخش آمار توصیفی از رسم جداول و نمودارهای فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی نیز از آزمون T تک متغیره، t مستقل با دو گروه، تحلیل واریانس، آزمون خی دو و آزمون فریدمن استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول و دوم: میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای پردازش اطلاعات در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان تا چه حد است؟

جیلز (Gillies, 2003) در نتایج تحقیقات خود چنین بیان می‌دارد که یادگیری مشارکتی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به همسالان و همکلاسی‌ها با فرهنگ و زمینه اجتماعی متفاوت و نیز کودکان با نیازهای گوناگون یادگیری متفاوت و همچنین یادگیری مشارکتی در ایجاد تعامل با دیگر بچه‌ها و کارکردن با یکدیگر مؤثر است.

لذا پژوهش حاضر بر آن شده تا میزان شناخت و کاربرد الگوهای نوین تدریس که نقش اساسی در دستیابی به اهداف مذکور را دارد از دیدگاه اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - پیمایشی و با توجه به هدف تحقیق از نوع کاربردی است و به منظور بررسی و توصیف دیدگاه‌های استادان گروه علوم انسانی دانشگاه و میزان آگاهی آنها به الگوهای مختلف تدریس و میزان به کارگیری آنها در فرآیند تدریس انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان است که به تدریس اشتغال دارند و تعداد آنها ۱۴۰ نفر است. این پژوهش از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده است که میزان

جدول ۱ و ۲ - مقایسه میانگین نمرات مربوط به میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای پردازش اطلاعات با میانگین فرضی ۲/۵

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
پردازش اطلاعات (شناخت)	۳/۶۸	۰/۲۰	۰/۰۲۰	۵۷/۱۸۲۰	۹۵	۰/۰۰۱
پردازش اطلاعات (به کارگیری)	۳/۴۰	۰/۲۶	۰/۰۲۶	۳۳/۹۷۱	۹۵	۰/۰۰۱

شناخت و کاربرد الگوهای نوین تدریس در میان اساتید ... / ۵۳

سؤال پنجم و ششم: میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای فردی در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان تا چه حد است؟

نتایج جداول ۵ و ۶ نشان می‌دهد که استادان میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای فردی را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

سؤال هفتم و هشتم: میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای سیستم‌های رفتاری در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد خوراسگان تا چه حد است؟

نتایج جداول ۱ و ۲ نشان می‌دهد که استادان، میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر پردازش اطلاعات را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

سؤال سوم و چهارم: میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای اجتماعی در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان تا چه حد است؟

نتایج جداول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که استادان، میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای اجتماعی را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۳ و ۴ - مقایسه میانگین نمرات مربوط به میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای اجتماعی با میانگین فرضی ۲/۵

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
اجتماعی (شناخت)	۳/۵۳	۰/۴۱	۰/۰۴۱	۲۴/۷۵۱	۹۵	۰/۰۰۱
اجتماعی (به کارگیری)	۳/۰۸	۰/۵۸	۰/۰۵۶	۱۰/۰۳۳۵	۹۵	۰/۰۰۱

جدول ۵ و ۶ - مقایسه میانگین نمرات مربوط به میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای تدریس فردی با میانگین فرضی ۲/۵

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
تدریس فردی (شناخت)	۳/۶۳	۰/۲۷	۰/۰۲۸	۴۲/۴۱	۹۵	۰/۰۰۱
تدریس فردی (به کارگیری)	۳/۳۹	۰/۴۴	۰/۰۲۵	۱۹/۷۲۰	۹۵	۰/۰۰۱

نوبن تدریس با توجه به مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد؟ یافته‌های جداول ۹ و ۱۰ نشان می‌دهد که t مستقل محاسبه شده در سطح $p < 0.05$ برای متغیرهای شناخت و به کارگیری الگوهای نوبن تدریس بر حسب مدرک تحصیلی معنادار نیست. یعنی بین نظرات اساتید با مدرک تحصیلی متفاوت در این متغیر تفاوت معنادار وجود ندارد. (ب) آیا بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان در شناخت و به کارگیری الگوهای نوبن تدریس با توجه به سابقه خدمت تفاوت معنادار وجود دارد؟

نتایج جداول ۷ و ۸ نشان می‌دهد که استادان، میزان شناخت و به کارگیری الگوهای تدریس مبتنی بر الگوهای سیستم‌های رفتاری را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. سؤال نهم و دهم: آیا بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان در شناخت و به کارگیری الگوهای نوبن تدریس با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی تفاوت وجود دارد؟ (الف) آیا بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان در شناخت و به کارگیری الگوهای

جدول ۷ و ۸ - مقایسه میانگین نمرات مربوط به میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوبن تدریس مبتنی بر الگوهای سیستم‌های رفتاری با فرض ۲/۵

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
سیستم‌های رفتاری (شناخت)	۳/۶۶	۰/۲۰	۰/۰۲۱	۵۵/۶۰	۹۵	۰/۰۰۱
سیستم‌های رفتاری (به کارگیری)	۳/۳۶	۰/۲۸	۰/۰۲۹	۳۲/۹۹۶	۹۵	۰/۰۰۱

جدول ۹ و ۱۰ - مقایسه میانگین نمرات شناخت و به کارگیری الگوهای نوبن تدریس بر حسب مدرک تحصیلی

متغیرها شاخص آماری	مدرک تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	T	P
شناخت الگوهای نوبن تدریس	کارشناسی ارشد	۳/۶۳	۰/۱۹	۰/۰۹۷	۰/۹۲۳
	دکتری	۳/۶۳	۰/۲۳		
به کارگیری الگوهای نوبن تدریس	کارشناسی ارشد	۳/۲۳	۰/۲۹	۰/۱۹۳	۰/۸۴۷
	دکتری	۳/۲۵	۰/۳۷		

شناخت و کاربرد الگوهای نوین تدریس در میان اساتید ... / ۵۵

یافته‌های جدول ۱۳ و ۱۴ نشان می‌دهد که F مشاهده شده در سطح $p < 0.05$ برای متغیر شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس بر حسب رشته تحصیلی معنادار نیست. یعنی بین نظرات اساتید با رشته تحصیلی متفاوت در این متغیر تفاوت معنادار وجود ندارد.

(د) آیا بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوارسگان در شناخت و به کارگیری الگوهای تدریس با توجه به دانشکده محل خدمت تفاوت وجود دارد؟

یافته‌های جداول ۱۱ و ۱۲ نشان می‌دهد که t مستقل محاسبه شده در سطح $p < 0.05$ برای متغیر شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس بر حسب سابقه خدمت معنادار است. یعنی بین نظرات اساتید با سابقه خدمت متفاوت در این متغیر تفاوت معنادار وجود دارد.

(ج) آیا بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوارسگان در شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس توجه به رشته تحصیلی تفاوت وجود دارد؟

جدول ۱۱ و ۱۲ - مقایسه میانگین نمرات شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس بر حسب سابقه خدمت

P	T	انحراف معیار	میانگین	سابقه خدمت	متغیرها
					شاخص آماری
-۰/۳۳۱	-۰/۹۵۷	۰/۲۴	۳/۶۳	۱۵ سال و کمتر	شناخت الگوهای نوین تدریس
		۰/۱۳	۳/۶۶	بیش از ۱۵ سال	
		۰/۳۶/۰	۳/۲۲	۱۵ سال و کمتر	
۰/۶۶۶	۰/۴۰۸	۰/۳۵	۳/۳۱	بیش از ۱۵ سال	به کارگیری الگوهای نوین تدریس

جدول ۱۳ و ۱۴ - مقایسه میانگین نمرات شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس بر حسب رشته تحصیلی

p	F	انحراف معیار	میانگین	رشته تحصیلی	متغیرها
					شاخص آماری
۰/۸۵۸	۰/۱۵۴/۰	۰/۱۴	۳/۶۵	مدیریت	شناخت الگوهای نوین تدریس
		۰/۱۸	۳/۶۵	زبان	
		۰/۲۱	۳/۶۳	حقوق	
۰/۸۵۵	۰/۴۰۸	۰/۲۹	۳/۲۳	مدیریت	به کارگیری الگوهای نوین تدریس
		۰/۳۱	۳/۲۸	زبان	
		۰/۲۸	۳/۲۰	حقوق	

جهت‌دهی‌های عمده روان‌شناسی و فلسفی هستند (جوینس و همکاران، ترجمه مهر محمدی، ۱۳۸۵).
سؤال اول و دوم پژوهش: «میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای پردازش اطلاعات در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان تا چه حد است؟ نتایج پژوهش نشان داد

یافته‌های جداول ۱۵ و ۱۶ نشان می‌دهد که t مستقل محاسبه شده در سطح $p < 0/05$ برای متغیر شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس بر حسب دانشکده محل خدمت معنادار نیست. یعنی بین نظرات اساتید با دانشکده محل خدمت متفاوت در این متغیر تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۱۵ و ۱۶ - مقایسه میانگین نمرات شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس بر حسب دانشکده

محل خدمت

P	T	انحراف معیار	میانگین	دانشکده محل خدمت	متغیرها
					شاخص آماری
۰/۹۱۶	۰/۱۰۶	۰/۱۴	۳/۶۵	علوم تربیتی و روان‌شناسی	شناخت الگوهای نوین تدریس
۰/۸۵۹	-۰/۱۷۸	۰/۱۸	۳/۶۵	زبان	به کارگیری الگوهای نوین تدریس
۸۵۹/۰	- ۱۷۸/۰	۰/۲۹	۳/۲۷	علوم تربیتی و روان‌شناسی	به کارگیری الگوهای نوین تدریس
		۰/۳۱	۳/۲۸	زبان	

که استادان، میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای پردازش اطلاعات را بالاتر از سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. این نتیجه با نتیجه پژوهش اسمیت (Smith ۲۰۰۵)، مطابقت و همسویی دارد که نشان می‌دهد مدرسانی که از مهارت دانش فراشناختی بالایی برخوردارند از قابلیت بالایی در مرحله پیش از تدریس و برنامه‌ریزی برای کلیه مراحل تدریس برخوردار هستند. از آنجایی که فراشناخت - آن گونه که روان‌شناسان مطرح کرده‌اند - دانش پیرامون فعالیت‌های تفکر و یادگیری و کنترل آنهاست و نیز در فراشناخت فراگیران باید بر فرایندهای ذهنی خود نظارتی فعال داشته باشند و فعالیت‌های ذهنی خود را تنظیم و بازسازی کنند. مدرسانی

بحث و نتیجه‌گیری

الگوهای تدریس یک طرح و برنامه کلی است که فراگیر را در یادگیری انواع مطالب، مهارت‌ها و نگرش‌ها یاری می‌دهد. این الگوها در ۴ طبقه قرار دارند: ۱ - الگوهای انفرادی، ۲ - الگوهای اجتماعی، ۳ - الگوهای پردازش اطلاعات، ۴ - الگوهای سیستم‌های رفتاری. هر کدام از این الگوها به زیر شاخه‌های مختلف از الگوها تقسیم شده‌اند. این الگوها دارای مراحل نیز هستند که پیشبرد امر تدریس را آسان می‌کنند. الگوهای تدریس برای رسیدن به اهداف و مقاصد آموزشی مناسب هستند و باعث ایجاد مهارت‌ها و راه‌های تفکر در دانش‌آموزان می‌شوند. این الگوها رویکردهای وسیع آموزشی را در خود دارند و شامل

سازماندهی فعالیت‌ها به دست می‌آورد. همچنین بحث گروهی باعث یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود. تأثیر یادگیری مشارکتی (تفحص گروهی) نیز بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان اثر معنادار داشته است.

سؤال پنجم و ششم: میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای تدریس فردی در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان تا چه حد است؟ نتایج پژوهش نشان داد که استادان، میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای تدریس فردی را، بالاتر از سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. این نتایج با نتایج پژوهش‌های مازلو (Maslow, 1969) مطابقت و همسویی دارد. خودشکوفایی که از الگوهای انفرادی است به صورت شایستگی، تسلط یابی در یک مهارت، کسب موفقیت در یک برنامه و احساس توانمندی در افراد مختلف نمایان می‌شود. فرد زمانی به خودشکوفایی می‌رسد که احساس کند از تمام توانایی‌اش استفاده کرده، به موفقیت رسیده است.

سؤال هفتم و هشتم: میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای سیستم‌های رفتاری در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان تا چه حد است؟ نتایج پژوهش نشان داد که استادان، میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای سیستم‌های رفتاری را، بالاتر از سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. این نتایج با نتایج پژوهش‌های جیلز (Gillies, 2003) و جلالی و نظری (۱۳۸۱) مطابقت و همسویی دارد. این پژوهشگران دریافتند که یادگیری مشارکتی در ایجاد نگرش مثبت فراگیران و ایجاد تعامل با دیگر فراگیران و کارکردن با یکدیگر مؤثر است و آموزش الگوی یادگیری اجتماعی بر عزت نفس، اعتماد به نفس، رفتارهای خود ابرازی و پیشرفت تحصیلی فراگیران تأثیر به‌سزایی دارد. به‌طور کلی این پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که اعمال الگوی یادگیری اجتماعی که از الگوهای سیستم‌های رفتاری است، تأثیرات مثبت فراوانی روی فراگیران خواهد داشت.

که به این امر آگاهی و شناخت داشته باشند، می‌دانند که چگونه می‌شود یادگیری را با پردازش اطلاعات در ذهن فراگیر انجام داد. یعنی می‌دانند که چگونه می‌شود موقعیت‌هایی را برای یادگیرنده ایجاد کرد که مطالب را بیاموزد و آنها را با هم مرتبط سازد که در نهایت خود فراگیر روی یادگیری کنترل داشته باشد. بنابراین، این پژوهش نیز نشان داد که استادان نه تنها به این امر آگاهی دارند بلکه آن را در فرایند تدریس خود به کار می‌گیرند.

سؤال سوم و چهارم: میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای اجتماعی در میان اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان تا چه حد است؟ نتایج این پژوهش نشان داد که استادان، میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای اجتماعی را، بالاتر از سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. الگوهای اجتماعی نقش آماده سازی فراگیران برای مشارکت در کارها، بحث گروهی، تقسیم کار و مسؤولیت، سازماندهی فعالیت‌ها را دارند. همچنین فرد را از خود بیگانگی و تعارض اجتماعی دور می‌سازند. اساتید این دانشگاه نشان دادند که در اعمال این الگوها در حیطه‌های شناخت و کاربرد مهارت بالایی دارند. بنابراین این نتیجه با نتایج پژوهش‌های حسن زاده (۱۳۸۵)، ملا زمانی (۱۳۸۷)، ملکوتی (۱۳۸۸) و عزتی و فهامی (۱۳۸۸) مطابقت و همسویی دارد. این پژوهشگران روی الگوی اجتماعی کار کردند و به این نتیجه دست یافتند که الگوهای اجتماعی بر میزان آگاهی و عملکرد دانش‌آموزان تأثیر بسیاری دارد و بر بهبودی تصور از خود نوجوانان تأثیر معناداری داشته است و می‌توان آن را به عنوان روشی کارآمد در بهبودی تصور از خود دانش‌آموزان استفاده نمود. همچنین تدریس در گروه‌های کوچک (بحث گروهی) که از الگوهای اجتماعی است، فراگیران را با مشکلاتی که در بزرگسالی بر سر راه زندگی اجتماعی آنها وجود دارد آشنا می‌کند و راه مقابله و برطرف کردن مشکلات را به آنان می‌آموزد. در واقع این نوع آموزش، تمرینی کوچک برای رسیدن به زندگی اجتماعی بهتر است. در جریان کار گروهی، فراگیر، علاوه بر تجربه اندوزی در تقسیم کار و مسؤولیت، تجربیاتی نیز در زمینه مدیریت و

۴- انجام پژوهش‌های میدانی و کاربردی پیرامون میزان نتایج و تأثیرات مثبت استفاده از الگوهای جدید تدریس بر افزایش دانش، توانش و نگرش دانشجویان رشته‌های گوناگون.

منابع

اکبری، احمدرضا؛ رجایی پور، سعید (۱۳۸۹). تأثیر شیوه‌های مختلف تدریس در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت دبیران شیمی دوره متوسطه. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۲۵: ص ۱۴۲.

جلالی، داریوش؛ نظری، آذر (۱۳۸۱). تأثیر آموزش الگوی یادگیری اجتماعی بر عزت نفس، اعتماد به نفس، رفتارهای خود - ابرازی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس سوم دوره راهنمایی. فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، ۱۳: ص ۴۳.

حسن زاده، اکبر؛ محدث، حمیدرضا؛ تقدیسی، محمد حسین؛ هزاوه نی، محمد مهدی (۱۳۸۵). تأثیر سه روش آموزش سخنرانی، بازی و ایفای نقش بر آگاهی و عملکرد دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی در مورد تغذیه دوران بلوغ. فصلنامه گام توسعه در آموزش پزشکی، ۶: صص ۱۳۳ - ۱۲۶.

حیدری، طوبی؛ کریمیان، نورالسادات؛ حیدری، زهرا؛ امیری، لیلیا (۱۳۸۸). مقایسه تأثیر تدریس به روش سخنرانی با بازخورد و سخنرانی به روش سنتی بر میزان یادگیری و کیفیت تدریس. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۴۹: ص ۳۴.

زمانی، بی بی عشرت (۱۳۸۱). ارائه الگوهای جدید تدریس در مقطع ابتدایی. طرح آموزشی. ص ۸۷.

شریفیان، فریدون (۱۳۸۴). بررسی و تبیین نشانگرهای تدریس اثر بخش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و میزان تحقق آن در دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی اصفهان.

شعبانی، حسن (۱۳۸۳). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). چاپ هیجدهم. تهران: انتشارات سمت، ۳۷۹ صفحه.

سؤال نهم و دهم: آیا بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان در شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی تفاوت وجود دارد؟ نتایج پژوهش نشان داد که بین نظرات استادان گروه علوم انسانی در شناخت و به کارگیری این الگوها با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی (سابقه خدمت و مدرک تحصیلی) تفاوت معناداری وجود داشته است اما در شناخت و به کارگیری این الگوها با توجه به (دانشکده محل خدمت و رشته تحصیلی) تفاوت معناداری وجود نداشته است. نتایج به دست آمده در حیطه‌های شناخت و به کارگیری این الگوها با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی بر حسب مدرک تحصیلی و سابقه خدمت با نتیجه پژوهش سانی (Sunny, 2004) مطابقت و همسویی دارد. سانی دریافت که هر چه تجارب تدریس افزایش یابد، آگاهی‌های فراشناختی معلمان نیز افزایش می‌یابد؛ اما در حیطه‌های شناخت و به کارگیری این الگوها با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی بر حسب دانشکده محل خدمت و رشته تحصیلی با نتیجه این پژوهش مطابقت و همسویی ندارد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱ - انجام پژوهش‌های جداگانه با همین عنوان (به ویژه به صورت کیفی) برای گروه‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان و مقایسه نتایج حاصل از آنها به منظور آگاهی از تفاوت‌ها و مشابهت‌های موجود و قرار دادن این نتایج در اختیار استادان گروه‌های مختلف جهت استفاده از آن در امر آموزش و تدریس.

۲ - انجام پژوهش‌های مرتبط در راستای استفاده از نتایج آنها به منظور نیازسنجی و برنامه ریزی برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دانش افزایی پیرامون الگوهای جدید یاددهی و یادگیری برای اساتید گروه‌های مختلف.

۳ - نظرسنجی از دانشجویان رشته‌های مختلف از طریق انجام یک طرح پژوهشی جهت تعیین نظرات آنها در رابطه با الگوهای نوین تدریس و میزان رضایت آنها از نحوه و میزان استفاده استادان از روش‌های نوین تدریس با توجه به موضوعات درسی مختلف.

Joyce, B.R. and Weil M. and Calhoun E. (2004). *Models of Teaching*. Translation by Dr. Mohammad Reza Behrangi. 624P

Maslow A. (1969). *Toward a Psychology of Being*. New York: Van Nostrand.

Morton, A. (2008). *Helping Students Set Goals and Monitor their own Learning*. Wiki book, The open- content textbooks collection: Amor 007 Talk 23:21(UTC).

Smith K j. (2005). *Examining Teachers, Pedagogical Decision Making Through Collaborative Metacognition*. Dissertation, Sandiego ste University .

Sunny M S M Ed. (2004). *Metacognition in the adult lerner*. from <http://www.lifecircles-c.com/metacognition.htm>.Retrived april 15, 2008.

Williams, W. et al. (2002). *Practical Intelligence for School: Development Metacognitive Sourced of Achievement in Adolescence* *Development Review*. 22: 162–270.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۱). گفتگو درباره کتاب مبانی روان شناختی تربیت. فصلنامه رشد تکنولوژی آموزشی: ۵.

عزتی، محسن؛ فهامی، ریحانه (۱۳۸۸). مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی (تفحص گروهی) بر رشد مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی ناحیه ۵ شهر اصفهان در سال ۸۷ - ۸۸. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴: ص ۶۳.

فتحی، اسکندر آذر (۱۳۸۲). *روش‌ها و فنون تدریس*. چاپ اول. انتشارات دانشگاه تبریز، ۴۸۲ صفحه.

لک هندی، غلامرضا (۱۳۸۲). *بررسی میزان آشنایی معلمان دوره راهنمایی با الگوهای تدریس و میزان به کارگیری آنها در فرایند تدریس در شهرستان الیگودرز در سال تحصیلی ۸۲ - ۸۱*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان. ص ۴۵.

ملازمانی، علی؛ فتحی، علی (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آموزش به شیوه ایفای نقش بر بهبود تصور از خود نوجوانان. *نشریه علوم رفتاری*، ۳: ص ۶۱.

ملکوتی، محمد (۱۳۸۸). *تدریس در گروه‌های کوچک (بحث گروهی)*. فصلنامه *راهبردهای آموزش*، ۶: ص ۱۸۳.

معیری، محمد طاهر (۱۳۸۰). *مهارت‌های آموزش و پرورش*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات سمت. ص ۵۶.

Alonso, S. S. and Vovides,(2007). *Tabatabaee Education and Psychology College. Integration of Metacognitive Skills in the Design of Learning Objects*.

Chung N, Ro G. (2004). The effect of problem - solving instruction on children's creativity and self- efficacy in the teaching of the practical arts subject. *The journal of Technology Studies* ،Vol. 3. (2), PP: 116-122.

Galbriath, M.W. (2001). *Community College Faculty Development for Minatory*. *The Michigan Community College Journal*, 8,29-38.

Gillies R M. (2003). *Cooperative Learning, the Socialand Intellectual Outcomes of Learning Ingroups*. Routledge Falmer. New York. USA. PP 56-68.